

## بررسی اعمال مبانی دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای ناشی از نقض آن در مراجع کیفری

بیژن رئیسی گهروئی<sup>۱</sup>

### چکیده

تعارض میان منافع قدرت حاکم و منافع فرد، مشهودترین جلوه بارز مباحث دادرسی عادلانه در نظام عدالت کیفری است. در چنین وضعیتی، اصل متعارف، مستلزم سازگاری تصمیمات دولت با ارزش‌های مورد احترام و همسو بودن آرمان‌های نشأت گرفته از دادرسی عادلانه، با آرمان‌های والای ناشی از «حکومت قانون» است. جدال عناصر اخلاقی (عینیت و فردیت) و مباحث علمی بی‌طرفانه در برابر تجارب شخصی جانب‌دارانه، از موضوعات بحث برانگیز در زمینه تحقق عدالت کیفری بوده است. در این راستا، تضمین دادرسی عدالت محور، مستلزم استقلال سیستم قضایی، وجود مقامات قضایی مستقل و عدم حمایت جانب‌دارانه از طرفین در فرایند اجرایی دادرسی می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل اصول دادرسی عادلانه در مرحله رسیدگی، از گذر ضمانت اجرا استوار گردیده است. هدف، تطبیقی منسجم و همه جانبه در راستای شناسایی و تضمین عادلانه حقوق افراد بوده است.

کلیدواژه‌ها: دادرسی، عادلانه، ضمانت اجرا، بی‌طرفی، استقلال.

فلسفه پدیدار شدن قوانین ماهوی (جزایی)، گزینش مجازات ارتکاب جرم در جامعه؛ و ضرورت وضع قوانین آیین دادرسی کیفری، جهت شکل گیری ضمانت اجرای قوانین جزایی در قالب قوانین شکلی بوده است. عینیت یافتن عدالت نیازمند قاعده و قانون است و با توجه به ادراکات متکثر از مفهوم عدالت و اختلاف باورها از این مفهوم، تنها راه تأمین اجرای عدالت، تعیین این مفهوم در قالب تفسیر ضابطه مند و منصفانه موازینی آشکار است. اطمینان از نتیجه عملکرد عادلانه وضع قانون، در گرو مشروعیت و اعتبار جریان دادرسی همراه با در نظر داشتن آیین و قواعدی است که در صورت نادیده انگاشته شدن، عدالت ماهوی متصور نیست؛ عدالت شکلی وسیله استقرار عدالت ماهوی و فرایند قضایی بوده و حصول نتیجه‌ای عادلانه در این فرایند، موقوف به رعایت معیار و تضمین‌های مندرج در قوانینی می باشد که شاکله عدالت شکلی‌اند. (فضائلی، 1394، 27-28).

## 1. اصل استقلال

### 1-1-1- استقلال سازمان قضایی

استقلال قضایی، مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری؛ و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. اهمیت ساختاری این اصل در نظام عدالت کیفری و دسترسی به دادگاه‌های مستقل و بی طرف، در اسناد بین المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند 1 ماده 14) مشهود است. (بهادری جهرمی و حسینی، 1393، 15).

### 1-1-1- مفهوم استقلال قضایی

از مهم ترین ابعاد استقلال سازمانی، بعد ساختاری آن و عدم امکان اعمال نفوذ و فشار بر قضات است. به این معنا که اتخاذ تصمیم قضات؛ بی طرفانه، بدون دخالت، فشار یا نفوذ ناروا از هر بخش حکومت و انتخاب قضات بر اساس تخصص حقوقی‌شان باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را در قالب اصل 156 قانون اساسی مدنظر قرار داده و بر این اساس، قوه قضائیه قوه‌ای مستقل تلقی می شود. اصل مذکور در بند 1 ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در بند 1 ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

### 1-1-2- استقلال قضایی، تضمین برابری طرفین در دادگاه کیفری

اصل برابری طرفین، ضمانت اعمال حقوق دفاعی به صورت عادلانه بوده (Summers, 2007, 104) و برابری طرفین به معنای دادن امتیاز مناسب، جهت ارائه ادله ابرازی در شرایط برابر است (Trechsel, 2005, 96). استقلال سیستم قضایی و عدم وابستگی و تأثیرپذیری آن، متضمن برخورداری طرفین دعوا از حقوق برابر بوده و زمینه را برای شکل گیری دادرسی مبتنی بر عدالت و انصاف فراهم خواهد ساخت. البته در صورتی که عملاً این موضوع مدنظر قرار گیرد و چارچوب ساختاری آن در حال شکل گیری باشد.

## 2-1- استقلال در تصمیم‌گیری قضایی

### 1-2-1- استقلال بازپرس و تأثیر اساسی آن بر تحقق دادرسی عادلانه

ماده 3 ق.آ.د.ک 1392 با تأکید بر رسیدگی مستقل، بی‌طرفی کامل و جلوگیری از طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری، در ابتدا موضوع استقلال مراجع قضایی را به صورت کلی در نظر گرفته است؛ با تدقیق در سایر مواد مصوب، مفهوم استقلال بازپرس، علاوه بر استقلال در برابر هرگونه نفوذ سیاسی و اجرایی در انجام تحقیق و جمع‌آوری ادله، در برابر دادستان به عنوان مقام تعقیب نیز مستفاد می‌شود؛ با در نظر داشتن سلسله‌مراتب قضایی، نظارت دادستان بر عملکرد بازپرس در مقام ایفای وظیفه مدعی‌العموم، نظارتی بی‌طرفانه نیست.

اهمیت این موضوع در گذشته نیز مورد توجه بوده است. کامباسرس حقوقدان فرانسوی قبل از انقلاب فرانسه در ارتباط با مخاطراتی که متهم را در مرحله «پیش محاکمه» تهدید می‌کند اظهار داشته بود: «لرزه بر اندام شهروندان می‌افتد آنگاه که امر تحقیق و تعقیب در دست شخص واحدی متمرکز گردد» (آشوری، 1389، ج 2، 27). به لحاظ تعدیات ناشی از مبسوط الید بودن دادستان به حقوق دفاعی متهمان و در جهت اعتباربخشی به جایگاه بازپرس و مصونیت شغلی وی، متن نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با درکی درست از جایگاه قاضی تحقیق مستقل و اثر آن در تحقق دادرسی عادلانه، در صدد تأمین امنیت شغلی بازپرس برآمد. اصل یک‌صد و سی و نهم نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی، بازپرس را در زمره قضات نشسته قلمداد کرده بود و هرچند در بازنگری‌های بعدی قسمت اخیر این اصل حذف شد، درج این موضوع در نخستین پیش‌نویس قانون اساسی اهمیت جایگاه و شأن بازپرس مستقل و تأثیر آن در تضمین حقوق دفاعی متهم را مبرهن می‌سازد. (فتحی و دهقانی، 1388، 89-110).

جهت حفظ استقلال بازپرس و تفکیک مقام و مرحله تعقیب از تحقیق، ماده 92 ق.آ.د.ک 1392، تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم را صرفاً در انحصار بازپرس دانسته و تبصره این ماده، تفویض اختیارات بازپرس به دادگاه کیفری در صورت عدم حضور و دسترسی نداشتن به بازپرس دیگر را، تنها تا زمان باقی بودن آن وضعیت؛ و با لحاظ محدودیت تفویض اختیار در نظر گرفته است.

### 1-2-1-1- استقلال بازپرس در صدور قرار تأمین کیفری

در انجام تحقیقات مقدماتی چنانچه ادله بر توجه اتهام دلالت داشته باشند، بازپرس به صدور قرار تأمین کیفری اقدام می‌کند. شدت اتهام، دلایل و مستندهای پرونده، گاه به صدور قرار بازداشت متهم می‌انجامد. در این موارد، استقلال بازپرس اقتضا دارد که در صدور قرار تأمین بر پایه نظر قضایی خود اقدام کند و پیرو رأی و نظر مقام قضایی دیگر در دادسرا و به‌ویژه دادستان نباشد. روشن است که در صورت صدور قرار نامتناسب، مسئولیت ناشی از این اقدام بر عهده وی خواهد بود (فتحی و دهقانی، پیشین، 99).

### 1-2-1-2- معیار گذاری برای صدور قرارهای تأمین کیفری

صدور قرارهای تأمین کیفری از تصمیم‌های اساسی مقام قضایی در مرحله پیش دادرسی به شمار می‌رود. با تصویب ماده 217 ق.آ.د.ک 1392، صدور قرارهای تأمین کیفری در حیطه اختیارات مقام قضایی تحقیق قرار گرفته و با تصریح ماده 41؛ و جهت ارج نهادن به معیارهای جرم شناختی در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های افراد، اتخاذ تصمیم در زمینه قرارهای تأمین کیفری صرفاً جنبه قضایی داشته و صدور آن توسط سایر مقام‌های قضایی ممکن نیست و مطابق ماده 570 ق.م.ا 1375 (تعزیرات اصلاحی 1381) با ضمانت اجرای کیفری همراه خواهد بود. ضرورت جانب‌داری از تمهیدات سیاست جنایی و لحاظ اصل عدم مجرمیت (Bartollas and Schmallegger, 2010) جهت تضمین حقوق افراد در زمینه صدور قرارهای تأمین کیفری، از جمله معیارهای حقوق بشری حاکم بر صدور قرارهای تأمین است که انتظار می‌رود قانون‌گذار با تشدید ضمانت اجراها، به این موضوع جامه عمل بپوشاند.

### 1-2-1-3- ضمانت اجراهای قرارهای تأمین کیفری

هدف از افزایش قرارها در قانون جدید، از طرفی ایجاد زمینه‌ای در جهت اعمال قرارهای جایگزین بازداشت موقت و عدم استفاده از قرار توقیف احتیاطی در مواردی که می‌توان تأمین سبک‌تری را برای متهم در نظر گرفت؛ و از طرفی حفظ حقوق، کرامت انسانی و منزلت اجتماعی متهمینی می‌باشد که بعضاً بنا به دلایل واهی یا ناخواسته گرفتار شده و به دنبال خلأ قانونی‌ای که در زمینه قرارهای متنوع تأمین وجود دارد، روانه زندان می‌شوند که گاه جبران خسارات مادی و معنوی این بازداشت‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد (غلامیان یوسف‌آباد، 1396، 16). از شاخص‌ترین ابزارهای جدید جهت تضمین حقوق متهمین در زمینه صدور قرارهای تأمین کیفری، تشکیل پرونده شخصیت متهمان است که در محدوده قانون آیین دادرسی کیفری جدید، از رهگذر ماده 203 ق.آ.د.ک 1392 به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده 250 قانون مذکور، مقام‌های قضایی موظف‌اند این موضوع و سایر معیارهای پیش‌بینی شده را جهت انتخاب و اجرای هر یک از قرارها مستدلاً در نظرگیرند و در صورت اخذ تأمین نامتناسب، مطابق با تبصره این ماده با ضمانت اجرای محکومیت انتظامی درجه 4 به بالا رو به رو خواهند شد. (میر محمدصادقی و دیگران، 1395، 103).

#### الف) بازداشت موقت با رعایت قرائن مقرر قانونی

هرچند مقام قضایی باید حتی‌الامکان از جایگزین‌های بازداشت موقت استفاده کند و از محبوس کردن متهم امتناع ورزد، در مواردی تأمین عدالت و تضمین حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان و مخصوصاً شکات ایجاب می‌کند که قاضی از این داروی «تلخ» ولی «مؤثر» استفاده کند (آشوری، 1389، پیشین، 214). بر اساس ماده 237 ق.آ.د.ک 1392، صدور قرار بازداشت جز در مورد جرائم ذکر شده در این ماده همراه با کفایت دلالت دلایل و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم، جایز نبوده و ماده 238 ق.آ.د.ک 1392، صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل را منوط به شرایطی از جمله امکان از بین رفتن آثار و ادله جرم در صورت آزاد بودن متهم، بیم فرار یا مخفی شدن وی و ایجاد اخلال در نظم عمومی دانسته است. در صورتی که مقامات قضایی برخلاف ماده 237 و عدم احراز شرایط ماده 238، دستور بازداشت موقت کسی را صادر نمایند، بر اساس ماده 575 ق.م.ا

1375(تعزیرات)، با ضمانت اجرای انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال، روبه‌رو خواهند شد.<sup>1</sup>

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در پرونده فروکو علیه آلبانی<sup>2</sup> این موضوع را مدنظر قرار داده و تصریح نموده است که بند 1 ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شامل فهرست جامعی از ملاک‌های مجاز جهت محرومیت از آزادی است و هیچ‌گونه محرومیتی از آزادی غیرقانونی نخواهد بود، مگر اینکه بدون دستور قانونی دادگاه مبنی بر بازداشت متهم، عدم وجود سوءظن قوی برای بازداشت و ضرورت نداشتن بازداشت متهم باشد.

ب) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول قرار وثیقه پس از قرار بازداشت موقت، شدیدترین قرار تأمین محسوب شده و در مواردی که مانعی برای بازداشت وجود دارد این قرار مورد استفاده قرار می‌گیرد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره 7/10957، 1380/11/24، لزوم پذیرش وثیقه از جانب مقام قضایی را مدنظر قرار داده و تأکید نموده است، هرگاه متهم، وثیقه و یا وجه نقد موضوع قرار تأمین را آماده و حاضر نماید، مرجع قضایی باید آن را قبول و متهم را آزاد کند؛ در توقیف نگه‌داشتن متهم به علت تعطیل بودن بانک یا معاذیر دیگر قانوناً جایز نیست (زراعت، 1393، ج 2، 221). لازم به ذکر است که در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه گذار توسط بازپرس، ذکر علت آن در پرونده الزامی است. تخلف از این امر، محکومیت انتظامی از درجه 4 به بالا را به دنبال خواهد داشت.<sup>3</sup>

صدور قرار اخذ وثیقه یا کفالت، واجد جنبه قضایی و امری یک‌جانبه بوده که اراده متهم تأثیری در آن ندارد. درحالی‌که صدور قرار قبولی، قراردادی بین مقام قضایی، وثیقه گذار یا کفیل است که به موجب آن وثیقه گذار یا کفیل متعهد می‌شود از تاریخ صدور قرار قبولی تا خاتمه دادرسی و صدور و اجرای حکم، هرگاه متهم در مواقع احضار از طرف مراجع کیفری بدون عذر موجه حاضر نشود، مال مورد وثیقه یا وجه الکفاله به نفع دولت ضبط گردد.<sup>4</sup> قرار قبولی، ماهیتاً عقدی است که بین مقام قضایی و وثیقه گذار یا کفیل منعقد می‌گردد و همان‌گونه که وثیقه گذار یا کفیل تعهد به حضور متهم در مواقع احضار کیفری می‌نماید، متقابلاً مقام قضایی نیز مکلف است تودیع وثیقه گذار یا کفالت کفیلی که حائز شرایط کفالت است را قبول و متهم را آزاد نموده و از وی رفع توقیف نماید. در غیر این صورت مقام قضایی به استناد ماده 575 ق.م.ا 1375(تعزیرات)، مرتکب توقیف غیرقانونی گردیده و با ضمانت اجرای قانونی و انتظامی رو به رو خواهد شد (غلامیان یوسف‌آباد، پیشین).

پ) التزام به عدم خروج از محل اقامت از طریق نظارت لازم به ذکر است که در بند «ج» ماده 217 ق.آ.د.ک 1392، «التزام به حضور نزد مرجع قضایی» جزئی از تعهد متهم بوده و عدم خروج وی از منزل یا محل اقامت تعیین شده، به‌تنهایی برای رعایت قرار کفالت نمی‌کند. منظور از عبارت «بدون نظارت با این تجهیزات» در این بند، نظارت بر عدم خروج متهم از طرق دیگر(غیر از وسایل

1- بر اساس نظریه 1377/7/13-7/4663، توقیف در زندان‌های اختصاصی و غیر قانونی نیز مشمول ماده 575 می‌باشد.

2- Frroku v. Albania, 18 September 2018.

3- ماده 222 ق.آ.د.ک 1392.

4- بر اساس ماده 229 ق.آ.د.ک 1392، تقاضای احضار متهم توسط کفیل یا وثیقه گذار، تنها در صورتی که حضور متهم به منظور تحقیقات، دادرسی یا اجرای حکم ضرورت داشته باشد جایز شمرده شده است. ضمانت اجرای تخلف از این امر، محکومیت انتظامی درجه چهار در نظر گرفته شده است.

الکترونیکی) بوده و عدم نظارت صرف، منتفی است. با توجه به این که هدف از اعمال نظارت الکترونیکی کاهش هزینه‌های زندان و به حداقل رساندن احتمال تکرار جرم است (آشوری، 1394، 402)، از آنجا که ممکن بود در مورد نحوه نظارت بر متهم ابهام و اختلافی پیش آید و یا حریم خصوصی او نقض گردد، ماده 252 ق.آ.د.ک 1392 اجرای قرار موضوع این بند را به موجب تصویب آیین‌نامه مصوب رئیس قوه قضائیه دانست. آیین‌نامه مذکور در تاریخ 1395/01/22 در قالب 31 ماده تصویب شد و از آنجا که ماده 29 اجرایی آیین‌نامه مذکور تحت عنوان آیین‌نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی، کیفیت و نحوه نظارت الکترونیکی را مطابق آیین‌نامه موضوع ماده 557 این قانون می‌دانست و مقام قضایی تا پیش از تصویب این آیین‌نامه نمی‌توانست به صدور قرار مذکور مبادرت ورزد، با تصویب آیین‌نامه اجرایی مراقبتهای الکترونیکی در 28 ماده و 5 تبصره در تاریخ 1397/4/10، در حال حاضر صدور قرار مذکور بلامانع است.

#### 4-1-2-1- استتلال بازپرس در صدور قرار نهایی

قانون آیین دادرسی کیفری در جهت تأمین استتلال بازپرس در اظهارنظر و صدور قرار نهایی، در مواردی که علت صدور قرار منع تعقیب توسط بازپرس، غیر از نبود یا عدم کفایت ادله‌ای مانند جرم نبودن عمل ارتكابی باشد، بازپرس را به پیروی از نظر و عقیده دادگاه مکلف نکرده است و در چنین مواردی بازپرس آزادی عمل را جهت انجام تحقیق و رسیدگی به ادله ابرازشده از جانب متهم خواهد داشت. همچنین، در مواردی که قرار موقوفی تعقیب در مرجع صالح نقض می‌شود، بازپرس با انجام تحقیقات لازم و صرف‌نظر از جهتی که سبب صدور قرار موقوفی تعقیب شده است رسیدگی و با انجام تحقیقات تصمیم لازم را خواهد گرفت. به عنوان مثال، در صورتی که بازپرس قرار موقوفی تعقیب به لحاظ نسخ مجازات قانونی صادر کند و نظر دادگاه بر آن باشد که مجازات قانونی نسخ نشده و همچنان از اعتبار قانونی برخوردار است، بازپرس، در جهت حفظ استتلال قضایی خود و در صورتی که ادله ابرازشده از سوی متهم بر بی‌گناهی وی دلالت داشته باشد، این ادله را مدنظر قرار داده و تصمیم لازم را بر اساس مستندات پرونده خواهد گرفت، هرچند نظر دادگاه در نقض قرار موقوفی تعقیب بر جلب متهم به دادرسی باشد. در چنین مواردی، قائل شدن به عدم امکان رسیدگی و عدم توجه به ادله ابرازشده از سوی متهم در تحقیقات بازپرس و تبعیت بازپرس از نظر و رأی دادگاه، موجبات نقض استتلال بازپرس و دور افتادن از موازین دادرسی عادلانه و منصفانه را فراهم خواهد ساخت (فتحی و دهقانی، پیشین).

#### 2-2-1- حفظ استتلال و بی‌طرفی دستیاران عدالت کیفری

بر اساس مواد 130، 129 و 156 ق.آ.د.ک 1392، برخورداری از نظریات کارشناسان به‌منظور کشف نشانه‌های مشهود حائز اهمیت بوده و بر اساس تبصره ماده 211 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، نظریات کارشناسان قابلیت استناد توسط قاضی را داراست. خروج کارشناس از حالت بی‌طرفی و اظهار عقیده در امر کارشناسی برخلاف واقع و همراه با سوءنیت، به استناد ماده 37 قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری قابل مجازات بوده و حداکثر مجازات برای آن در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس ماده 588 ق.م.ا 1375 (تعزیرات)، نقض بی‌طرفی توأم با اخذ وجه یا مال، جرم محسوب شده و قابل مجازات است. چنین مقرراتی در خصوص مترجمان و

اعضای هیئت منصفه نیز وجود دارد.

### 3-2-1- استقلال قاضی و تأثیر آن بر تضمین موازین دادرسی عادلانه

برای آنکه قاضی بتواند وظیفه قضایی خود را که برقراری عدالت، استقرار حقوق و حفظ نظم عمومی است به صورت شایسته انجام دهد، باید از چنان استقلال و بی طرفی ای برخوردار باشد که در مقابل سایر قوا مقاومت نموده و حقوق دیگران را ملعبه هوی و هوس اغنیاء و زورمندان قرار ندهد (محسنی، 1392، ج 1، 5). رئالیست‌ها در مقام ارائه یک گزارش توصیفی از قضاوت مدعی‌اند که: قضات بیشتر بر اساس آنچه با لحاظ حقایق پرونده، "درست"، "عادلانه" یا "منصفانه" به نظر می‌رسد رأی می‌دهند تا بر مبنای قواعد و ادله حقوقی، منتها همواره اصول و قواعدی را می‌یابند یا قانون را به نحوی تفسیر می‌کنند که با نظر آن‌ها درباره امر "درست" یا "منصفانه" تناسب داشته باشد. بر این اساس، غالب آرائی که مطابق فهم ما از "حقایق پرونده" و "قانون"، آرائی برخلاف قانون شناخته می‌شوند، ناشی از مقاومت قاضی صادرکننده رأی در برابر قانون نیستند بلکه حاصل فهم شخصی او از حقایق پرونده و معنای قانون‌اند. کشف شهودی عدالت توسط قاضی زمانی می‌تواند مناط اتخاذ تصمیم قرار گیرد که معیاری مطمئن آن را پشتیبانی کند. قاضی نمی‌تواند به بهانه استقرار عدالت یا رعایت انصاف از مرزهای نظام حقوقی خارج شود اما اجازه دارد تمایل خود به "عدالت"، "اخلاق" و یا "انصاف" را در قلمرو کمابیش گسترده نظام حقوقی ارضا کند. (کیوانفر، 1390، 155).

### 1-2-3-1- مصونیت قضات در راستای تأمین استقلال قضایی

اخذ اجازه از دادگاه عالی انتظامی قضات جهت تعقیب کیفری قضات، جهت حفظ شئون قضایی و ارج نهادن به مقام قضا و برای صیانت استقلال قضات و تأمین آزادی آنان در تصمیم‌گیری‌های قضایی، ضرورت دارد. بر اساس اصل 164 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انفصال قاضی در صورت اقتضای مصلحت جامعه؛ و انتقال دوره‌ای قضات نیز منوط به در نظر داشتن ضوابط کلی می‌باشد؛ همچنین بند 3 اصل 158 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استخدام و عزل قضات را از وظایف رئیس قوه قضائیه دانسته، که به علت تفویض اختیار، در جهت تأمین استقلال کامل قضات مؤثر نبوده است (آخوندی، 1393، ج 4، 419-420).

تضمین لازم جهت انجام وظایف دادگاه به صورت مستقل، مستلزم وجود شرایطی در رابطه با شرایط انتصاب و عزل قضات می‌باشد. در این رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد است که صرف انتخاب افراد توسط دولت در صورتی که شخص تحت تأثیر امیال و مبانی غلطی که توسط مقامات دولتی تبیین می‌شود قرار نگیرد، می‌تواند استقلال قضایی آنان را در انجام وظایف قضایی خود تضمین کند؛ بنابراین تعیین شرایط انتصاب، طول خدمت و شرایط حاکم بر ترفیع و انتقال، در تضمین استقلال قضات جهت رسیدگی آزادانه تأثیر بسزایی دارد.

### 2-2-3-1- سلسله‌مراتب قضایی

اعمال نفوذ و فشار از درون قوه قضائیه، مخدوش‌کننده استقلال قاضی؛ و برخورداری دادگاه‌ها از رتبه‌بندی قضایی متفاوت ممکن است باعث پذیرش نوعی سلسله‌مراتب قضایی شود که امکان تلاش یک قاضی در دادگاه بالاتر،

جهت اعمال نفوذ بر قاضی دیگر در دادگاه پایین تر را فراهم می نماید. لازم به ذکر است که این مسئله با فرآیند تجدیدنظر و فرجام خواهی آراء در دادگاه های بالاتر و همچنین تبعیت تمام دادگاه ها از آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور کاملاً متفاوت است. در حقوق ایران تنها رئیس قوه قضائیه (در درون قوه قضائیه) می تواند از طریق بخشنامه هایی بر آراء محاکم تأثیر بگذارد که به نظر می رسد با استقلال قضات در تضاد باشد (روستایی حسین آبادی و علی نژاد، 1395، 28).

### 3-2-1- عدم اجرای احکام قضایی توسط سایر قوا و نهادهای حکومتی

از موارد تضعیف اصل استقلال، عدم اجرای احکام قطعی دادگاه ها توسط نهادهای حکومتی است که با تکیه بر قدرت و سوءاستفاده از آن صورت می گیرد. به عبارت دیگر با استفاده از امکانات نظام، به خود نظام و یکی از اصول مسلم استحکام آن لطمه وارد می شود. در مواد 576 و 577 ق.م.ا 1375 (تعزیرات)، عدم اجرای احکام دادگاه ها و مداخله در امر قضا جرم انگاری شده و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است (حبیب زاده و دیگران، 1389، 46).

### 4-2-3-1- ضمانت اجراهای ناشی از عدم استقلال قاضی در فرآیند دادرسی کیفری

استقلال قاضی هرگز به معنای عدم نظارت بر عملکرد وی نیست؛ عدم اعمال نظارت قانونی و نبود مسئولیت پذیری، ارمغانی جز فساد و سوءاستفاده از قدرت به همراه نخواهد داشت. قاضی در راستای رعایت استقلال، باید در برابر اقدام ها و اعمال ارتكابی به موجب قانون پاسخگو باشد. آنچه مهم است، شیوه پاسخ گویی و چگونگی اعمال مقررات مربوط به آن از طریق مراجع مربوط است تا ضمن رعایت استقلال قاضی، از خودسری و سوءاستفاده از قدرت ممانعت به عمل آید (شاملو و محمدی، 1390، 122).

### 5-2-3-1- اصول حاکم بر تخلف از قانون توسط قضات، به لحاظ نفوذپذیری

به منظور جلوگیری از دخالت و اعمال نفوذ در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی می باشد، ماده ۵۷۷ ق.م.ا 1375 (تعزیرات) با جرم انگاری این موضوع، اختیار ممانعت از دخالت سایرین در امور قضایی را به قضات تفویض نموده است؛ بنابراین قاضی نمی تواند با ادعای نفوذپذیری صرف و اجبار، به انجام اقدام خلاف قانون، مبادرت ورزد. بر اساس تبصره ماده 18 قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب 1392/2/25، اگر تخلف از قانون، عمدی و برای اجرای مقصودی، له یا علیه یکی از اصحاب دعوی یا به لحاظ پذیرفتن توصیه و مغلوب نفوذ شدن صورت گیرد و منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، مرتکب نسبت به اهمیت و شرایط ارتكاب، به یکی از مجازات انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می شود. جهت محکومیت قاضی بر اساس ماده 18 قانون مذکور، اعمال نفوذ باید منجر به تضییع حق، تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد. بدین ترتیب اگر اعمال نفوذ توسط سایرین صورت گیرد ولی قاضی تحت تأثیر آن قرار نگیرد و در این راستا تخلفی قانونی از وی سر نزنند، به دلیل عدم تطبیق با مصادیق ذکر شده در این ماده، محکومیتی برای قاضی در بر نخواهد داشت.

از جمله موارد مطروحه در رابطه با اصل عدم نفوذپذیری، می توان به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده



#### 4-2-1- استقلال دادستان و تأثیر آن بر تحقق دادرسی عادلانه

استقلال دادستان، به معنای عملکرد مستقل مقام تعقیب در مسیر تحقیق، به منظور کشف جرمی است که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری می‌باشد. دادستان مستقل، صلاحیت گسترش دامنه تحقیقات را به شرطی داراست که موازین دادرسی عادلانه در مسیر تحقیقات و در ارائه کیفرخواستی که بر پایه نتایج حاصل شده صادر می‌شود، رعایت شود. به عبارت دیگر، بر عهده دادستان است که به همان اندازه که به تحصیل دلایل موجود علیه متهم می‌پردازد، نسبت به تحصیل و تسجیل دلایلی که به نفع متهم است نیز فعالیت داشته باشد (آشوری، پیشین، 313). تضمین ضوابط دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که دادستان در برابر سایرین، اختیاراتی مستقل در جهت تعقیب و رعایت حقوق بزه دیده و متهم داشته باشد. همراه با در نظر داشتن استقلال در عملکرد دادستان، نظارت بر فرآیند تعقیب در راستای تحقق عدالت کیفری ضرورت دارد.

هرچند دادستان در مقام مدعی‌العموم، همانند طرفین دعوی، صلاحیت اعتراض به عملکرد بازپرس در صورتی که اقدامات وی با تخلفات قانونی تطبیق نماید را داراست، میزان کارکرد صحیح و نتیجه‌بخش بازپرس در مرحله تحقیقات، در گرو استقلال کامل وی از سایر مقامات قضایی در مسیر کشف حقیقت است. در قوانین کیفری ایران، توجه مطلوبی نسبت به رعایت این اصل مشاهده نمی‌شود. ماده 73 ق.آ.د.ک 1392 از جمله مصادیق این موضوع بوده که در راستای تحدید مقام تحقیق گام برداشته است. بر اساس این ماده، دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازم را خواهد داشت. همچنین بر اساس ماده 266 ق.آ.د.ک 1392، چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، می‌تواند تقاضای تکمیل آن را از بازپرس بنماید و بازپرس مکلف به انجام تحقیقات مربوطه است. بدیهی است که این امر، عدم تأثیرپذیری و استقلال مقام تحقیق را مخدوش می‌سازد. ماده 105 قانون مذکور نیز علاوه بر نقض استقلال مقام تحقیق، با مفهوم صلاحیت اختصاصی و مستقل هر یک از مراجع قضایی در مسیر تحقق و تضمین حقوق طرفین دعوا، تناقض دارد.

---

1- Sehmus Ekinci v. Turkey, 27 March 2018.

2 - متقاضی قبل از اعزام به خدمت سربازی مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی کاتاتونیک بود. با این وجود در تشخیص بیماری وی اشتباهی صورت گرفت و نامبرده به خدمت سربازی اعزام گردید. وی پس از سپری شدن دو ماه از خدمت سربازی، به دلیل تشدید بیماری و تشخیص اولیه نادرست آن، از وزارت دفاع ترکیه درخواست خسارت نمود. وزارت دفاع درخواست وی را رد کرد و رهرو آن، متقاضی به دادگاه عالی نظامی شکایت نمود. دادگاه با این استدلال که متقاضی قبل از خدمت سربازی مشکل حادی نداشته و پس از آن به دلیل عدم استفاده منظم از داروهای تجویز شده به وضعیت بدتری دچار شده، این ادعا را مردود و وی را مستحق دریافت غرامت ندانست. متقاضی درخواست تجدیدنظر از دادگاه عالی نظامی برای تصحیح رأی صادره نمود؛ ولی درخواست تجدیدنظر وی رد شد. متقاضی این رأی را نپذیرفت و با ادعای عدم استقلال و بی‌طرفی قضات دادگاه عالی نظامی در صدور رأی و عدم پذیرش درخواست تجدیدنظر به دلیل اعمال نفوذ، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت نمود. دادگاه مذکور شکایت را وارد دانست و به استناد بند 1 ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قضات دادگاه عالی نظامی ترکیه را فاقد استقلال و بی‌طرفی کامل تشخیص داد و متعاقباً دولت ترکیه را به پرداخت مبلغ 1500 یورو، به علاوه جبران و پرداخت سایر خسارت‌های ایجادشده به متقاضی محکوم کرد.

## 5-2-1- تضمین دادرسی عادلانه در راستای توجه به مفهوم بیمه مسئولیت مدنی

اندیشه حصول فرآیند دادرسی عادلانه، به‌ویژه در ارتباط با حمایت حداکثری از قربانیان اشتباهات قضایی، همچنان به‌مثابه یک خلأ تقنینی، اجرایی در نظام حقوقی ایران امری ضروری و محسوس است. با وجود پیش‌بینی تقنینی اصل یک صد و هفتاد و یکم قانون اساسی و ماده 11 قانون مسئولیت مدنی در خصوص امکان خسارت زدایی از قربانیان اشتباهات قضایی، همچنان عملی سازی فرآیند خسارت زدایی یادشده در ایران با دشواری همراه می‌باشد. دلیل عمده آن، عدم وجود قوانین صریح و شفاف در ارتباط با چگونگی اجرای این اصل است (شاملو، 1391، 163). در مورد رویه اتخاذشده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر در این رابطه، می‌توان به پرونده کابرال علیه هلند<sup>۱</sup>، اشاره نمود.<sup>۲</sup>

«تقصیر قاضی»، مترادف با تجاوز و تخطی وی توأم با توانایی انجام یا عدم انجام از وظیفه‌ای که قوانین و مقررات برای فرد دادرس مقرر داشته، بوده و از این‌رو، «تقصیر مدنی مبتنی بر جهل قصوری» مقامات قضایی از حیثه مفهوم «تقصیر قاضی» موضوع اصل یک صد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خارج شده و در مفهوم «اشتباه قاضی» داخل می‌شود. اگر تقصیر مدنی توأم با جهل تقصیری، نه جهل قصوری، دارای ضمانت اجرای کیفری باشد، در مفهوم «تقصیر جزایی غیر عمدی» قرار می‌گیرد و چنانچه تقصیر مزبور، با سوءنیت و عمد همراه باشد، در مفهوم «تقصیر جزایی عمدی» وارد می‌شود. در خصوص دادرس، اگر «تقصیر» به معنای عام در نظر گرفته شود، وی مسئول تمامی خسارات مادی و معنوی ناشی از «تقصیر عمدی و غیر عمدی» خود خواهد بود؛ در حالی که این تفسیر با ضرورت‌ها و حساسیت‌های این حرفه مهم و مقصود واقعی وضع‌کنندگان اصل مذکور انطباق ندارد (شاملو، پیشین، 175).

## 2. اصل بی‌طرفی

بی‌طرفی در مفهوم عدم تعصب نسبت به هریک از طرفین دعوا یا علیه آن‌ها در فرآیند دادرسی، اعمال برابر قانون نسبت به طرفین دعوی را تضمین می‌کند. (Ware, 2015, 66). ماده 3 ق.آ.د.ک 1392، در رابطه با لزوم رعایت اصل بی‌طرفی توسط مراجع قضایی اشعار می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز، بی‌طرفی را تحت عنوان عدم تعصب معرفی می‌کند. بر این اساس دادگاه نباید در

---

1- Cabral v. the Netherlands, 28 August 2018.

2 - متقاضی به اتهام سرقت یک سوپرمارکت همراه با یک شریک جرم به نام «و» و ضرب و شتم شخصی در خیابان با دو همدست دیگر محکوم شده بود. «و» اظهارات پلیس مبنی بر سرقت در شرکت را تأیید نمود و در دادگاه روتردام به عنوان شاهد احضار شد؛ ولی به دلیل عدم دخالت «و» در ضرب و شتم خیابانی، وی در دادگاه اظهار نمود که در این رابطه خود چیزی ندیده است و فقط از سایرین شنیده است. دادستان ادعای وی را نپذیرفت و وی در این رابطه به شهادت دروغ محکوم شد. متعاقباً متقاضی به چهار سال حبس محکوم شد. دادگاه اروپایی حقوق بشر این رأی را مغایر با پاراگراف «د» از بند 3 ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «هر کس به یک جرم کیفری محکوم شود، حداقل دارای حقوق زیر است: - بررسی یکسان شهادت ارائه‌شده توسط شاهدانی که به نفع و از طرف وی شهادت می‌دهند در مقابل شاهدانی که علیه وی شهادت می‌دهند» دانست و دولت هلند را موظف نمود که مبلغ نود و چهار یورو قبل از صدور رأی نهایی به متقاضی بپردازد.

هنگام اتخاذ تصمیم به خود اجازه دهد که تحت تأثیر اطلاعاتی که در خارج از دادگاه کسب می‌کند یا احساسات مردمی یا هرگونه فشاری قرار گیرد. بلکه باید تصمیمات خود را بر پایه استدلال‌ات عینی و یا ارزیابی مدارک تسلیمی در محاکمه استوار نماید.

## 1-2- بی‌طرفی قاضی

اصل بی‌طرفی قاضی در دو حالت ذهنی و عینی نمود می‌یابد. عدم تمایل شخصی هر یک از اعضای دادگاه نسبت به طرفین دعوا، معیار ذهنی تلقی می‌گردد، در صورتی که معیار عینی بی‌طرفی قاضی، بار اثبات کمتری برای طرفین دعوا ایجاد می‌کند. برخلاف معیار ذهنی، ادعای عدم بی‌طرفی عینی در صورتی که تردید قانونی وجود نداشته باشد، فرضیه‌ای مثبت جهت اثبات ادعای عدم بی‌طرفی قاضی توسط شخص است. از جمله فرضیاتی که سبب تردید قانونی نسبت به عدم رعایت بی‌طرفی توسط قاضی می‌شود، عضویت قبلی قاضی در احزاب وابسته به یکی از طرفین دعوا، تلاش قاضی برای حضور در سطوح مختلف رسیدگی، هم‌پوشانی روابط خانوادگی - تجاری یا سایر روابط بین یکی از طرفین و قاضی و نگرش‌های مشابه نظیر وابستگی اعتقادی یکی از طرفین و قاضی می‌باشد.

بر اساس بند 4 ماده 17 قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب 1392/2/25، خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی، مجازات انتظامی درجه هشت تا سیزده را در بر خواهد داشت. اصل 171 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده 605 ق.م.ا 1375 (تعزیرات)، بروز تخلف از جانب مقامات قضایی را جرم انگاری کرده و برای آن ضمانت اجرا تعیین نموده‌اند. بر اساس ماده 605 تعزیرات، هرگاه قاضی از روی عمد و غرض اقدام یا اظهاری نماید، هرچند تأثیری در حق یکی از طرفین نداشته باشد، سبب تحقق جرم خواهد شد. ظاهر ماده حکایت از آن دارد که عنصر مادی جرم با فعل مثبت محقق شده و ترک فعل نمی‌تواند عنصر تشکیل‌دهنده جرم مذکور باشد. از این رو چنانچه مأمور اداری یا قضایی از اقدام یا اظهار نظر به نفع یکی از طرفین به نحو مغرضانه و برخلاف حق خودداری نماید، در شمول عمل ارتكابی وی نسبت به مقررات این ماده تردید وجود دارد؛ زیرا عبارات «اظهار نظر» و «اقدام» در این ماده ظهور در فعل مثبت دارد و نه ترک فعل (شاملو و محمدی، پیشین، 110).

چنانچه وقوع تخلف به علت تقصیر شخص قاضی باشد ضامن بوده و با اعلام شکایت کیفری و اعمال ماده 605 تعزیرات، علاوه بر تعقیب جزایی، خسارت ناشی از جرم نیز با تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم به طرفیت قاضی مقصر قابل مطالبه خواهد بود و در صورت عدم اثبات تقصیر قاضی در محکمه انتظامی، دولت ضامن بوده و جبران خسارت وارده به عهده دولت است. در چنین فرضی دادخواست ضرر و زیان به طرفیت قوه قضائیه به مرجع قضایی تقدیم و بعد از صدور حکم و قطعیت آن، نسبت به پرداخت ضرر و زیان از بیت‌المال اقدام خواهد شد (همان، 111).

## 2-2- بی‌طرفی بازپرس

وجوب تأکید بر پاسداشت حقوق فطری و بنیادین متهم در فرآیند دادرسی عادلانه، مستلزم استقلال بازپرس از

دادستان و متعاقباً متضمن حفظ بی‌طرفی بازپرس در روند دادرسی عادلانه خواهد بود. ماده 93 ق.آ.د.ک 1392<sup>1</sup> گواهی بر اثبات این خاستگاه عادلانه است. بر اساس بند «و» ماده 3 قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب 1381، دادستان به‌جز جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار داشت، در سایر جرائم دارای کلیه وظایف و اختیارات مقرر شده برای بازپرس بود. دایره شمول صلاحیت دادگاه کیفری استان، پرونده‌های معدودی را در برمی‌گرفت و متعاقب این امر، وحدت عملکرد تحقیقی بازپرس و دادستان در سایر جرائم، اصل بی‌طرفی و استقلال مراجع قضایی را خدشه‌دار می‌نمود. قانون آیین دادرسی کیفری 1392، خطی مشی نوینی را در جهت تحدید اختیارات دادستان دنبال کرده است. در این راستا ماده 92 ق.آ.د.ک 1392، عملکرد تحقیقی دادستان را منوط به عدم حضور بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی و خارج از محدوده جرائم موضوع ماده 302 قانون مذکور دانسته است.

با این وجود، بازپرس به‌صورت مطلق مستقل نبوده و دادستان همچنان نقشی نظارتی و جهت‌دار در روند تحقیقات مقدماتی دارد. بر اساس ماده 266 ق.آ.د.ک 1392، چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است بدون ابهام در پرونده درج کرده و تکمیل آن را می‌خواهد و در این صورت، بازپرس مکلف به انجام تحقیقات خواهد بود. تکلیف مذکور در متن ماده، از موارد استثنایی تحمیل نظر دادستان بر بازپرس و عدم امکان مخالفت با نظر اوست (خالقی، 1396، 333).

لازم به ذکر است، تبصره ماده مذکور، امکان تسلط همه‌جانبه و مطلق دادستان بر روند تحقیقات را در نظر گرفته و با تعیین ضمانت اجرای مناسب، اختیارات دادستان را تحدید نموده است. بر این اساس، هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات توسط دادستان که ضرورتی در جهت کشف حقیقت نداشته باشد، محکومیت انتظامی تا درجه سه را در بر خواهد داشت. از جمله موارد دیگری که استقلال و به‌تبع آن بی‌طرفی بازپرس در مسیر تحقیقات مقدماتی را با تحدید مواجه می‌سازد، ماده 89 ق.آ.د.ک 1392 می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بازپرس برای آغاز روند تحقیقات اختیار صرف نداشته و شروع تحقیقات، موقوف به ارجاع از جانب دادستان دانسته شده است.

### 3-2- بی‌طرفی دادستان

بی‌طرفی دادستان به معنای عدم گزینشی بودن تصمیم به شروع تحقیق و تعقیب؛ و صرفاً مبتنی بر موازین و دلایل قضایی می‌باشد. دادستان در فرآیند کیفری نباید تنها هدف و اهتمام خود را تضمین محکومیت متهم قرار دهد؛ بلکه باید تنها به آنچه مقتضی وقایع و دلایل حقیقی و مبتنی بر موازین و قواعد حقوقی است، بسنده کند. علاوه بر این دادستان باید در جمع‌آوری ادله و مدارک مربوط به پرونده، به دور از تعصب نسبت به شواهد و وقایع ناشی از مجرمیت یا شواهد و وقایع معین، برائت عمل کند و در جمع‌آوری هر دو دسته، یکسان بکوشد و انگیزه سیاسی را در تعقیب پرونده‌ها دخالت ندهد (فضائلی، پیشین، 257).

---

1- ماده 93 ق.آ.د.ک 1392: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»

### 1-3-2- وحدت اختیار و جایگاه مقام تعقیب و اجرا

به میزان اهمیت محاکمه در فرآیند کیفری، نحوه آرایش قانونی و قضایی مرحله اجرای محکومیت‌ها نیز، صرف‌نظر از نوع آن برای مجرم سرنوشت‌ساز است؛ به همین جهت نظام کیفری متحول، مرحله اجرای مجازات را نیز مشمول فرآیند قضایی دانسته و نظارت دستگاه قضایی از طریق نصب قضات خاص، به این مرحله قابل تسری است. بر اساس ماده 484 ق.آ.د.ک 1392، اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان بوده و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست وی عهده‌دار این وظیفه است. از مفاد این ماده استنباط می‌شود که دادستان علاوه بر اینکه مقام تعقیب است، مقام اجرای حکم نیز می‌باشد. این موضوع برخلاف اصل تفکیک مقاطع مختلف دادرسی کیفری بوده و با توجه به ضرورت استقلال مقام‌های دخیل در امر دادرسی کیفری، وحدت مقام تعقیب و اجرای حکم می‌تواند به تضییع حقوق متهم منجر شود؛ (فتحی و هادی، 1392، 143) تحدید ساختار و عملکرد دادرسی و تقلیل اختیارات دادستان، گام مؤثری جهت سازگاری و همسو شدن با نظام عدالت کیفری خواهد بود، که انتظار می‌رود قانونگذار این موضوع را در نظر داشته و اصلاحاتی ساختاری در این زمینه اعمال نماید.

### 2-3-2- ضمانت اجراهای تخلف از موارد مقرر در محدوده اجرای احکام کیفری

الف) ضمانت اجراهای تخلف از تکلیف توسط سایرین

بر اساس ماده 496 ق.آ.د.ک 1392، تمامی سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلف‌اند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. ضمانت اجرای تخلف از تکلیف مذکور، تعقیب انتظامی و اداری همراه با مجازات مقرر قانونی است که در ماده 576 ق.م.ا 1375 (تعزیرات) معین شده است.

ب) ضمانت اجرای تخلف از تکلیف توسط قاضی اجرای احکام

ماده 518 ق.آ.د.ک 1392، قاضی اجرای احکام کیفری را مکلف به دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس، حداقل ده روز قبل از اتمام مدت حبس نموده است. علت امر، تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم‌علیه و صدور دستور آزادی وی در تاریخ یادشده و اعلام به زندان می‌باشد. پیرو این امر، رئیس زندان مکلف است پس از اتمام مدت حبس، چنانچه محکوم‌علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوراً برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند. تخلف از مفاد این ماده، در صورتی که منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، ضمانت اجرای محکومیت انتظامی تا درجه چهار و پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم‌علیه را برای قاضی اجرای احکام کیفری در بر خواهد داشت. لازم به ذکر است که تکلیف رئیس زندان به آزاد نمودن محکوم‌علیه بعد از اتمام مدت مجازات به شرح قسمت دوم ماده فوق، مستقل از تکلیف قاضی اجرای احکام کیفری و بدون نیاز به دستور مخصوص اوست (خالقی، پیشین، 556).

### 3. اصل علنی بودن رسیدگی

مدیریت راهبردی محاکمات کیفری به صورت علنی، حضور آزادانه افراد جامعه در فرآیند دادرسی کیفری و عدم

ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی<sup>۱</sup> تحت عنوان اصل علنی بودن رسیدگی قابل بررسی است و بایستگی اصل علنی بودن دادرسی در محاکمات کیفری، برگزاری فرآیند دادرسی هویدا در مقابل سایرین را به منظور عدم مخفی ماندن جریان دادرسی، ایجاب می کند (Chief Justice Burger, 1980).

در قلمرو کیفری جمهوری اسلامی ایران، اصل علنی بودن دادرسی کیفری، در اصل 165 و 168 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. ماده 188 ق.آ.د.ک 1378، اصل علنی بودن دادرسی را مورد توجه قرار داده بود و تبصره 5 ماده مذکور، مجازات مقرر در ماده 576 ق.م.ا 1375 (تعزیرات) را به منظور ضمانت اجرای تخلف از اجرای موارد مقرر در این ماده در نظر گرفته بود. ماده 225 قانون مذکور نیز رسیدگی به جرائم اطفال را غیرعلنی می دانست. بر این اساس، انتشار جریان دادگاه تخلف محسوب می شد و مجازات مندرج در ماده 648 تعزیرات را در برداشت. این مواد با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری 1392 نسخ شده و از این نظر ضمانت اجرایی در قانون آیین دادرسی کیفری 1392 مشاهده نمی شود. ماده 352 ق.آ.د.ک 1392 به اصل علنی بودن دادرسی اشاره کرده و برگزاری غیرعلنی محاکمه را در شرایطی خاص در نظر گرفته است. سابقاً قضات دادگاهها در تشخیص لزوم برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی آزاد بودند و ملزم به صدور قرار قابل کنترل توسط مرجع بالاتر برای رسیدگی غیرعلنی نبودند. در چنین وضعیتی، دادگاه می توانست با توجیه تحقق یکی از استثنائات علنی بودن دادرسی، جلسه رسیدگی را از حضور مردم خالی ساخته و به اتخاذ تصمیم بپردازد، بدون اینکه مجبور باشد نقض یکی از اصول مسلم دادرسی در حقوق داخلی و بین المللی را توجیه نماید. ولی اکنون ماده 352 ق.آ.د.ک 1392، برگزاری غیرعلنی دادرسی را منوط به اظهار عقیده دادستان دانسته و از این طریق، ضرورت نظارت بر عملکرد دادگاه در صدور قرار دادرسی غیرعلنی را مدنظر قرار داده است.

بر اساس دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تضمین حق دادرسی عادلانه در یک جامعه دموکراتیک ایجاب می کند که هر اقدام در جهت محدود ساختن حقوق طرفین، باید ضرورت بسیار داشته باشد. اگر اقدام محدودکننده در مقیاسی جزئی اعمال شود، می توان به میزان کمتر بسنده و از اقدامات گسترده تر جلوگیری کرد. به عنوان نمونه، دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده ون مشلان علیه هلند اظهار داشت که اگر شاهدان طرفین دعوی در فرآیند دادرسی علنی عضو نیروی پلیس باشند، استفاده از آنها تحت عنوان شاهد ناشناس تنها در شرایط استثنایی امکان پذیر است و برای مقابله با چنین محدودیتی علیه طرفین، ارائه شواهد در حضور طرفین دعوی پیشنهاد می شود.<sup>۲</sup>

## نتیجه گیری

ضرورت اتخاذ رویکرد عادلانه در محاکم قضایی، سبب جرم انگاری اعمال مانع از اجرای عدالت توسط قانون گذار شده است. در مقررات محاکم کیفری تنها به تعیین نوع مجازات پرداخته شده و تخصیص مجازات در هر مورد، کاملاً به تشخیص قضات واگذار شده است. هرچند سپردن تعیین مجازات به صلاح دید قاضی می تواند در راستای فردی کردن مجازات مفید باشد، لکن عدم تعیین معیارهایی برای ارزیابی این شرایط، نگران کننده است. ابهام و عدم

1- تبصره ماده 352 ق.آ.د.ک 1392

2- Van Mechelen and Others v. the Netherlands, 1997.

رسیدگی عملی به تخلفات بسیاری که از سوی مقامات قضایی رخ می‌دهد، علیرغم تصریح قانون و تعیین ضمانت‌های اجرایی هرچند سطحی و مبهم در این زمینه، ذهنیت قضات و سیستم قضایی را نسبت به افراد درگیر در مسیر دادرسی تغییر داده و بعضاً سبب شده است قضات، دیدگاهی از قبل طراحی شده نسبت به طرفین و مخصوصاً متهم داشته باشند و متهم را با نگرشی منفی و از جایگاهی بالا و از دیدگاه خود برتر، مورد ارزیابی قرار دهند. در سطح قضاوت باید آنچه را دقیقاً قضایی است متمایز کرد (کمتر ارزیابی عمل‌ها و بیشتر ارزیابی عوامل، سنجش «قصدهایی که به عمل‌های انسانی جنبه‌های اخلاقی متفاوت می‌بخشد»، و در صورت امکان، تصحیح ارزیابی‌های قانون‌گذار نظیر تفاوت گذاری قانون‌شکنی‌ها، کنترل، استعمار و استفاده از برخی از این قانون‌شکنی‌ها از رهگذر قانون‌شکنی طبقه فرادست)؛ در نتیجه قاضی هم به‌نوبه خود نیازمند کنترل ضروری و اصلاح‌کننده ارزیابی‌های خویش قرار خواهد گرفت. بهتر بود مقامات قضایی به این سخن معروف ریپر بیشتر توجه می‌کردند که قدرت واضح و آفریننده حقوق نیست و عقل است که گام‌های انسانیت را منظم می‌کند.

مجموعاً، ابهام قوانین کیفری از یک‌سو و عدم تصریح نسبت به تعیین برخی از ضمانت‌های اجرایی مشخص از سوی دیگر، راه را جهت تحمیل دیدگاه مقامات و استبداد قضایی هموار ساخته است. فقدان یا ناکافی بودن راه‌های جبران خسارت ناشی از نقض حقوق فردی و ضعف یا نبود ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق را می‌توان مهم‌ترین عامل نگرانی نسبت به نظام عدالت کیفری در ایران به شمار آورد. عدالت کیفری‌ای در کشور وجود ندارد که برای پیگرد تمامی اعمال غیرقانونی در نظر گرفته شده باشد و به دنباله کنش‌های ظاهراً مؤثر، ته‌مانده هضم نشدنی بزهکاری را باقی نگذارد. عدالت کیفری امروزه به‌منزله ابزاری برای کنترل تفاوت‌گذارانه قانون‌شکنی‌ها و نقش ضامن قانونی و اصل انتقال‌دهنده را برای این کنترل ایفا می‌کند. اگر ماهیت عدالت کیفری نه تفاوت گذاری افراد بلکه تعیین ویژگی کنش‌ها بر پایه شماری از مقوله‌های عمومی، نه پایگان بندی بلکه صرفاً به کار انداختن تضاد دوتایی مجاز و ممنوع، و نه همگن‌سازی بلکه اجرای جداسازی قاطع حاصل از محکومیت نباشد، عدالت کیفری صرفاً به دستگاه نمایشی عظیمی برای پاسخ‌گویی صرف به دستگاه کنترل تبدیل خواهد شد و قضات کارمندان به‌ندرت سرکش این دستگاه خواهند بود. (فوکو، 1397، 353).

## منابع

1. آشوری، محمد. (1394). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. تهران: نشر گرایش.
2. آشوری، محمد. (1389). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.
3. آخوندی، محمود. (1393). شناسای آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم. تهران: انتشارات دور اندیشان.
4. بهادری جهرمی، علی، سیده لطیفه، حسینی. (1393). اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، 7: صص 9-32.
5. حبیب زاده، محمد جعفر، قاسم، کرامت و مرتضی، شهبازی نیا. (1389). استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، 1: صص 23-51.
6. خالقی، علی. (1396). نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

شهر دانش.

7. روستایی حسین‌آبادی، یاسر، احمد، علی نژاد. (1395). استقلال قضایی پیش‌شرط دادرسی عادلانه «مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، 11: صص 9-32.
8. زراعت، عباس. (1393). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم. تهران: نشر میزان.
9. شاملو، باقر، شهرام، محمدی. (1390). نقض بی‌طرفی و عدم استقلال قاضی؛ جلوه‌ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه، فصلنامه تحقیقات حقوقی، 6: صص 93-136.
10. شاملو، باقر. (1391). «بیمه مسئولیت مدنی مقامات قضایی» به‌مثابه یکی از تضمینات دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، 77: صص 163-192.
11. غلامیان یوسف‌آباد، علیرضا. (1396). ضمانت اجراهای قرارهای تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم انسانی و بانکداری اسلامی.
12. فتحی، محمد جواد، علی، دهقانی. (1388). استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی و تأثیر آن در تحقق دادرسی عادلانه، فصلنامه حقوق اسلامی، 20: صص 89-110.
13. فضائی، مصطفی. (1394). دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
14. فوکو، میشل. (1397). مراقبت و تنبیه. تهران: نشر نی.
15. کیوانفر، شهرام. (1390). مبانی فلسفی تفسیر قانون. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
16. میر محمدصادقی، حسین و دیگران. (1395). اصول دادرسی منصفانه، از نظر تا عمل. تهران: انتشارات خرسندی.
17. محسنی، مرتضی. (1392). کلیات حقوق جزا، جلد اول. تهران: انتشارات گنج دانش.

18. Chief Justice Burger. (1980). Inc. v. Virginia, Richmond Newspaper, Available in <https://supreme.justia.com>.

19. Summers, S.J. (2007). Fair trials; the European criminal procedural tradition and European court of human rights, HART publishing, Oxford: Oxford University Press.

20. Trechsel, S. (2005). *Human rights in criminal proceedings*, oxford: oxford university press.

21. F. Bartollas, C. and F, Schmalleger. (2010). *juvenile delinquency*, New Jersey: Prentice Hall.

22. Ware, S.J. (2015). Judicial Elections, Judicial Impartiality and Legitimate Judicial Lawmaking, *Vanderbilt Law Review En Banc*, 68: PP 59-81.

23. Cabral v. the Netherlands, 28 August 2018.



24. Frroku v. Albania, 18 September 2018.
25. Sehmus Ekinci v. Turkey, 27 March 2018.
26. Van Mechelen and Others v. the Netherlands, 1997.